

گزارش بازدید از نمایشگاه «به بلندی تاریخ»

دیوار به دیوار باواقعۀ عاشورا

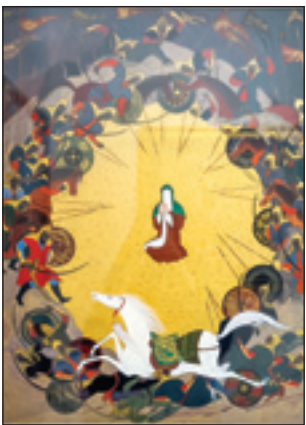
۶۶

دیوارها بر اساس موضوع بخش‌بندی شده و هر بخش به یکی از نمادها یا شخصیت‌های واقعۀ عاشورا اختصاص یافته بود. مجموعه‌ای از آثار با محوریت ذوالجناح بر یک دیوار، بخشی دیگر به حضرت عباس(ع) و علمداری او، و بخش‌هایی دیگر به صحنه‌هایی از خیمه‌گاه، میدان نبرد و آندوه اهل بیت

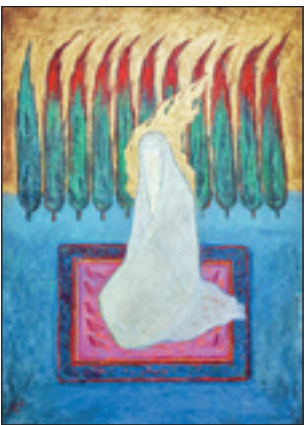
نمایشگاه روایت خطی و پیوسته‌ای از عاشورا ارائه نمی‌داد. آثار به گونه‌ای کنار هم قرار گرفته بودند که هر کدام روایتی مستقل داشتند، برخی بر جنبه حماسی واقعۀ تمرکز کرده بودند، برخی بر اندوه و غریب و برخی بر بعد معنوی و ایمانی آن. نتیجه، مجموعه‌ای چندصدایی بود که در عین تنوع، بر محور واحد عاشورا می‌چرخید.

در بخش‌هایی از سالن، روایت‌هایی مکتوب بر دیوار نصب شده بود؛ هنرمندانی که با قلم نوشتار خود، زبان تابلوهایی نقاشی شده بودند. گویی راوی نامرئی قدم به قدم مخاطب را در دل تابلوها و لحظات عاشورا پیش می‌برد.

علاوه بر سبک و طرح‌ها، موضوعات انتخابی هنرمندان نیز از تنوع چشمگیری برخوردار بود. تابلویی، صحرای سوزان و نیزه‌های برافراشته را به تصویر کشیده بود، اثری دیگر لحظه افتادن علمدار



قرمز، فضایی پر از انرژی، آندوه و مقاومت ایجاد کرده بود. استفاده از این رویکرد، حادثه را از سطح بازنمایی صرف به تجربه حسی و عاطفی می‌کشاند.



تصویر شده است. ترکیب هم‌زمان المان‌های کوبیسم و اکسپرسیونیسم، به‌ویژه استفاده از مثلث‌ها در ساختار تصویر و رنگ‌های تند چون

■ **فاطمه قربانی**

در بدو ورود به نمايشگاه «به بلندی تاریخ»، بوی رنگ در فضا موج می‌زد؛ عطری آشنا که هم‌زمان حس تازگی، خلاقیت و جان‌گرفتن هنر را تداعی می‌کرد. این بو، همراه با سکوت و نور ملایم سالن، فضایی ساخت که مخاطب را پیش از دیدن نخستین تابلو، به درون جهان آثار می‌کشاند.

چیدمان تابلوها با نظم و هدفمندی انجام شده بود. دیوارها بر اساس موضوع بخش‌بندی شده و هر بخش به یکی از نمادها یا شخصیت‌های واقعۀ عاشورا اختصاص یافته بود. مجموعه‌ای از آثار با محوریت ذوالجناح بر یک دیوار، بخشی دیگر به حضرت عباس(ع) و علمداری او، و بخش‌هایی دیگر به صحنه‌هایی از خیمه‌گاه، میدان نبرد و آندوه اهل بیت اختصاص داشت. این تفکیک موضوعی، امکان تمرکز بیشتر بر هر محور را فراهم می‌کرد و هر بخش، فضایی خاص با حس و حال متمایز داشت. پیش از آمدن، تصور می‌کردم نمایشگاه محدود به چند طرح آشنا و تکراری از واقعۀ عاشورا باشد، اما تنوع سبک‌ها و تکنیک‌ها مرا غافلگیر کرد. برخی آثار در قالب مدرن غربی خلق شده بودند؛ با بهره‌گیری از ساختارهای زاویه‌دار، رنگ‌های شارپ و کنتراست‌های شدید که به صحنه‌ها، بعدی پر تنش و حماسی می‌دادند. در مقابل، آثاری به شیوه نگارگری و مینیاتور ایرانی نیز دیده می‌شد که با خطوط نرم، رنگ‌های اصل و جزئیات ظریف، لحظات عاشورا را در قالبی آشنا و سنتی بازنمایی می‌کردند.

در نگاه من یکی از آثار شاخص نمایشگاه، اثر کامیار صادقی با موضوع ذوالجناح بود. در این تابلو، اسب در میانه تیرباران دشمن ایستاده و با پیکری استوار

کتاب

■ **فاطمه شریفی**

۲۶مرداد برای مردم ایران تنها یک تاریخ در تقویم نیست؛ روزی است که در آن، دروازه‌های اردوگاه‌های عراق یکی‌یکی گشوده شد و مردانی که سال‌ها در بند دشمن بودند، به آغوش وطن بازگشتند. خیابان‌ها پر شد از بوی خاک جبهه‌ها، از اشک شوق مادران و از لبخند پدران که قامت‌شان در سال‌های انتظار خم شده بود. این روز، روز آزادی «آزادگان» است؛ همانانی که نه زنجیر اسارت توانست ایمان‌شان را بگیرد و نه شکنجه‌های بعضی، عزم‌شان را بشکند.

آزادگان، سفیران صبر و پایداری‌اند؛ کسانی که سال‌های طولانی دور از وطن و خانواده، در اردوگاه‌های بعضی‌با کمترین امکانات و سخت‌ترین شرایط زیسته‌اند، اما روح‌شان را فروخته‌اند. ۲۶مرداد یادآور روزی است که این مردان و زنان سربلند، پس از تحمل شکنجه‌ها و محرومیت‌ها، دوباره خاک وطن را بوسیدند.

ادبیات دفاع مقدس، و به‌ویژه ادبیات اسارت، وظیفه‌ای خطیر بر دوش دارد: حفظ و روایت این خاطره‌های گرانبه‌ای برای نسل‌هایی که جنگ را ندیده‌اند. این آثار نه‌فقط اسناد تاریخی، بلکه درس‌نامه‌هایی از ایمان، ایستادگی و عزت‌اند. در میان ناشران فعال این حوزه، انتشارات سوره مهر مهمی پررنگ در ثبت این حماسه‌ها دارد. این ناشر با انتشار مجموعه‌ای از دست‌نقد از خاطرات آزادگان، امکان شنیدن روایت‌هایی بی‌واسطه و عمیق را برای خوانندگان فراهم کرده است.

آنچه در ادامه می‌آید، مروری بر ۵ نمونه شاخص از این آثار است؛ تابلوهایی که هر یک به‌تنهایی سندی از تاریخ و فرهنگ مقاومت ایرانیان در سال‌های جنگ تحمیلی‌اند.

■ **پای که جاماند – درس‌های حفظ عزت و ایمان**

پای که جاماند – یادداشت‌های روزانه در دل اردوگاه اثر سیدناصر حسینی پور، روایتی مستقیم و بی‌پیرایه از سال‌های اسارت در اردوگاه‌های عراق است. این کتاب، بر پایه یادداشت‌هایی نوشته شده که نویسنده در همان روزها، پنهانی و با خطر بسیار، در لابه‌لای کاغذها و دفترچه‌های کوچک ثبت کرده است.

مزیت «پای که جاماند» در بی‌واسطه و به لحظه بودن آن است. خواننده حس می‌کند در همان موقعیت ایستاده، صدای شلاق‌ها و فریادهای دشمن را می‌شنود و بوی خاک و رطوبت اسایشگاه را حس می‌کند. این روایت، از شنودت سربازان بعضی تا لحظات کوتاه امید و همدلی میان اسیران را با جزئیاتی ملموس بازگو می‌کند.

این کتاب، تصویری زنده از مفهوم «ایستادگی در سخت‌ترین شرایط» است. راوی با صداقت

تبدیل نشود و حس همدلی و همراهی با نیروهایی که در شرایط دشوار، با توکل و دانش فنی از امنیت شهر دفاع کردند را منتقل کند. دقیقاً نکته‌ای که در جنگ ۱۲روزه نیز به آن نیاز داریم. استفاده دقیق و هوشمندانه از تصاویر آرشیوی، به‌ویژه فیلم‌های هوایی، فیلم‌های استقرار سامانه پدافندی و صحنه‌های مرتبط با تهدیدات هوایی عراق، به مستند اعتبار تاریخی قابل توجهی می‌بخشد. تصاویر واقعی بمباران‌ها، لحظات آمادبیش نیروهای پدافند و نمایش سامانه‌های دفاع هوایی، مخاطب را درگیر و همراه می‌کنند. این تصاویر سابقاً در هیچ مستندی به کار گرفته نشده بود.

■ **نیاز به پیوند تاریخی با وضعیت امروز**
پیشنهاد می‌شود این ایده برای وضعیت فعلی سامانه‌های پدافندی به‌خصوص در جنگ ۱۲روزه اخیر نیز اجرا شود. در این جنگ تحمیلی میان ایران و رژیم اسرائیل که به درگیری‌های منطقه‌ای پیچیده‌ای انجامید، اهمیت سامانه‌های دفاع هوایی به شدت برجسته شد. این مقایسه نشان می‌دهد، تلاش و تسوکل نیروهای نظامی در هر دو دوره (جنگ تحمیلی و امروز) پیوسته و ریشه‌دار است.

اگرچه فناوری و تجهیزات دفاعی در این چنددهه پیشرفت چشمگیری داشته‌اند، روحیه ایثار، دانش‌وفنی‌استقامت نیروهای نظامی همچنان جزء مؤلفه‌های اصلی حفظ امنیت کشور به شمار می‌رود. مستند به‌طور غیر مستقیم به این نکته می‌پردازد که دانش و تجربه، روحیه تعهد، وطن‌دوستی و ایثار نیروهای حافظ امنیت کشور، ستون مهمی برای حفظ امنیت ملی کشور است.

لا‌سوی دیگر، حسن اعتماد مردم به نیروهای نظامی که در مستند از زبان شاهدان، فرماندهان و مسئولان نظام مقدس بازتاب یافته، در شرایط امروز نیز همچنان یک عنصر کلیدی امنیت ملی است. این اعتماد، به‌ویژه در مواجهه با تهدیدات پیچیده و چندوجهی منطقه‌ای، به شکلگیری یک جبهه ملی دفاعی کمک می‌کند.

■ **نقش مستند در حفظ حافظه تاریخی**

«مب‌ها می‌آیند» تنها یک روایت از یک پروژه نظامی نیست، بلکه بخشی از حافظه جمعی دفاع مقدس ملت ایران است. در سال‌هایی که بخش عمده‌ای از تولیدات رسانه‌ای به روایت‌های عمومی‌تر یا فیلم‌های داستانی جنگ اختصاص یافته، این مستند با تمرکز بر یک بخش فنی و کمتر شناخته شده، با یک روایت صحیح، گام مهمی در ثبت و انتقال دقیق تاریخ رشادت‌های ملت ایران علیه نیروهای متخاصم بیرونی برداشته است.

این مستند به نسل جدید فرصتی می‌دهد تا با گوشه‌ای از فداکاری‌ها و هوشمندی‌های نیروهای نظامی آشنا شوند، موضوعی که در جنگ رسانه‌ای امروز ممکن است کمتر مورد توجه قرار گیرد. در عین حال، این اثر نمونه‌ای از اهمیت استفاده درست از منابع آرشیوی و روایت‌های دست‌اول است که به مستندسازان آینده مسیر روشنی نشان می‌دهد.

■ **نیاز جدید**

مستند «مب‌ها می‌آیند» به خوبی توانسته است یکی از بخش‌های کلیدی دفاع هوایی ایران در جنگ تحمیلی را به تصویر بکشد و اهمیت پروژه «شباهنگ» را به عنوان یک نقطه عطف امنیت ملی در بحبوحه جنگ نشان دهد. ساختار روایت، استفاده مؤثر از آرشیو و مصاحبه‌ها، تدوین مناسب، همگی به ایجاد اثری معتبر و تأثیرگذار کمک کرده‌اند. پیوند این مستند با شرایط امروز و تأکید بر تداوم دانش فنی، روحیه توکل و تلاش نیروهای نظامی، آن را از صرف یک روایت تاریخی فراتر برده و به یک درس مهم برای نسل‌های امروز و فردا تبدیل کرده است. این مستند نه تنها تاریخ را ثبت می‌کند بلکه الهام‌بخش تامل و تفکر در باب امنیت ملی است که برای حفظ امنیت ملی باید پیعوده شود. پیشنهاد می‌شود از ظرفیت روایی جنگ ۱۲روزه استفاده شود تا جنگ قدرتمند پدافندی بین ایران با رژیم

منحوس صهیونیستی در قالب مستندهای متعدد و متنوع تولید شده تا این برهه از تاریخ درخشان فداکاری‌ها و توانمندی‌های نیروهای جان‌پرثک دفاع پدافندی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ثبت شود.

فرهنگی

سرویس فرهنگی ۸۸۵۲۳۰۶۰

را با رنگ‌های ملایم و خطوط شکسته نشان می‌داد و نمونه‌ای دیگر، با زبان نگارگری، یک لحظه را در چند بعد هم‌زمان به نمایش گذاشته بود. این زاویه‌های دید متفاوت، نشان می‌داد، عاشورا همچنان منبع الهام هنری است و می‌تواند بارها از نگاه‌های تازه بازآفرینی شود.

نمایشگاه «به بلندی تاریخ» نه تنها در مضمون که در زبان بصری نیز گستره‌ای وسیع داشت. از سبک‌های کلاسیک و سنتی تا رویکردهای مدرن و تجربی، هر اثر بخشی از واقعۀ را روایت می‌کرد و در کنار دیگر آثار، تصویری کلی اما چندلایه از عاشورا شکل می‌گرفت. این تنوع، از تکراری شدن آثار جلوگیری کرده و هر تابلو را به کشف تازهای بدل ساخته بود. در پایان بازدید، آنچه در ذهن باقی می‌ماند، نه تنها تصاویر و رنگ‌ها، بلکه این جمله است که گویی در میان تابلوها شنیده می‌شد: «ما را حسین دور خودش جمع می‌کند.»

این نمایشگاه همچون پلی میان تاریخ و هنر، پذیرای نگاه‌ها و سلیقه‌های گوناگون است. چه شیفته آثار کلاسیک و سنتی باشید، چه مجذوب زبان‌های مدرن و تجربه‌گرایانه هنر، در «به بلندی تاریخ» برای هر ذائقه هنسری و فرهنگی، چیزی برای کشف و تجربه وجود دارد. گام گذاشتن در این فضا، فرصتی است برای دیدن عاشورا از دریچه‌های تازه و لمس تنوعی که تنها در کنار هم معنا پیدا می‌کند.

نمایشگاهی که توانسته در عین وفاداری به یک واقعۀ تاریخی - مذهبی، زبان‌های گوناگون هنری را در کنار هم بنشاند و مخاطب را به تجربه‌ای حسی، فکری و معنوی دعوت کند، ندما نمایشگاهی که به معنای واقعی کلمه، به تاریخ متصل بوده و هم به بلندی هنر.

این کتاب بهالهام بخش یک فیلم سینمایی شد اما متن آن همچنان بی‌رقیب است؛ زیرا نویسنده با قلمی صمیمی و بی‌کلف، لحظات را آن چنان روایت می‌کند که خواننده گویی یکی از همان ۲۳ نفر است.

■ **پاسیاد پسر خاک – قصه بازگشت به زندگی**

«پاسیاد پسر خاک» به قلم محمد قبادی روایتی است از روزهای اسارت و سال‌های پس از آزادی، به قلم آزادمانی که نه‌فقط از رنج‌های جسمی و روانی آن دوران می‌گوید، بلکه از مسیر دشوار بازگشت به زندگی پس از اسارت نیز سخن می‌گوید. این کتاب که با زبانی صمیمی و گاه شاعرانه نوشته شده، بازگشت می‌دهد، آزادی، پایان ماجرا نیست؛ بازگشت به خانه آغازی تازه است، با چالش‌هایی که گاه کمتر دیده‌ای گفته شده‌اند.

راوی «پاسیاد پسر خاک» با جزئیات از نخستین روزهای ورود به اردوگاه، تلاش برای حفظ کرامت انسانی در برابر تحقیر دشمن و ابتکارهایی که اسیران برای زنده ماندن و زنده نگه‌داشتن امید به کار می‌بردند، سخن می‌گوید. اما آنچه این اثر

را متمایز می‌کند، بخش‌هایی است که به زندگی پس از آزادی اختصاص دارد، جایی که آزاده باید دوباره با جامعه، خانواده و حتی خودش کنار بیاید.

این کتاب، پلی است میان دو فصل مهم در زندگی ایرانیان: «اسارت» و «آزادی». خواننده درمی‌یابد مقاومت، تنها در اردوگاه شکل نمی‌گیرد، بلکه در مواجهه با دنیایی که پس از اسارت تغییر کرده نیز ادامه می‌یابد. «پاسیاد پسر خاک» سندی است بر این حقیقت که آزادی، انتخابی است که هر روز و در هر شرایطی باید آن را از نو برگزید.

■ **روایت‌هایی که باید زنده بمانند**

پنج کتاب معرفی شده، تنها بخشی از مجموعه بزرگ آثار سوره مهر در حوزه ادبیات اسارت‌اند. «پای که جاماند» با صداقت و بی‌واسطگی، «روزهای بی‌آینه» با بُعد خانوادگی و عاطفی، «من زنده‌ام» با روایت زنانه و تاریخی، و «آن بیست و سه نفر» با انرژی و شور جوانانه، «پاسیاد، پسر خاک» با معرفی سید علی اکبر ترابی فرد بر یک وجهی از این تاریخ مشترک را ثبت کرده‌اند.

این آثار، فقط خاطره نگاری نیستند؛ کلاس‌های درس عزت، ایمان و پایداری‌اند. روز ۲۶مرداد، فرصتی است برای بازخوانی این کتاب‌ها و زنده نگه‌داشتن یاد و نام کسانی که سال‌ها در بند دشمن، آزادی را معنا کردند. برای نسل امروز و فردا، این روایت‌ها چراغ راهی هستند که نشان می‌دهد حتی در سخت‌ترین شرایط، می‌توان ایستاد و سربلند ماند.

